



## گفت و گو با چند تن از مدرسان حوزه علمیه مشهد

گفتگو با

حجت‌الاسلام والمسلمین جوهری

○ برای گسترش فرهنگ نهج‌البلاغه در حوزه، چه

راه‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟

□ یک سری از معارف اسلامی در نهج‌البلاغه هست که در جای دیگر اصلاً پیدا نمی‌شود از این رو خواستیم و می‌خواهیم عده‌ای را در حوزه تربیت کنیم که با معارف نهج‌البلاغه آشنا شوند. از طرف دیگر دیدیم مقام معظم‌ره رهبری، امسال را به نام امیرالمؤمنین نام‌گذاری کرده است. لذا بهتر دیدیم تدریس نهج‌البلاغه را از امسال در حوزه شروع کنیم.

نهج‌البلاغه ابعاد مختلفی دارد. محققان و پژوهشگران که بر نظریه‌های امروز در حوزه‌های مختلف آشنا نیستند، دقت و عنایت دارند که نهج‌البلاغه، موثق‌ترین و مطمئن‌ترین منبعی است که آنها می‌توانند مسایل معارف اسلامی را با توجه به تحقیقات علمی روز، بررسی کنند و به تبیین فرهنگ نهج‌البلاغه و یا به تعبیری فرهنگ دینی بپردازند. امیرالمؤمنین در مسایل مختلف، نظریه‌های بسیار عالی و قوی دارند؛ مثلاً درباره انسان نظریه‌های مختلفی بیان شده است. یک نظر این است که انسان انقلاب شده از میمون و خلق شده از آن است که این نظر داروین است. یک دسته دیگر قایلند اصل انسان کوشا بود، که مجوسی‌ها این نظر را دارند. یعنی در واقع، انسان در اصل کوشا بود، منقلب شد و به صورت آدم در آمد. اما امام در نهج‌البلاغه ثابت می‌کند که خداوند از اول آدم را در صورت انسان آفریده، نه

شناسانده و رسماً آن را جزو برنامه درسی و مطالعاتی حوزه قرار دهند تا اینگونه مورد غفلت نباشد.

○ برای ترویج نهج البلاغه در جامعه، رسالت حوزه چیست؟

□ در ساحت تبلیغ، مبلّغی که به تبلیغ دین می پردازد بدون شک با کتاب منتهی الامال و... نمی تواند به تبلیغ و ترویج دین و دینداری بپردازد و یا نمی توان با آنها جامعه را اداره کرد لذا چه بهتر و معقولتر که سراغ نهج البلاغه رفت. توقع ما این است که قرار است نهج البلاغه جزو برنامه تحقیقاتی و مطالعاتی علماء و فقها قرار بگیرد، حداقل جزو برنامه با درسی و آموزشی طلاب باشد. در میان شروحنی که نهج البلاغه دارد، شرح مرحوم محمد تقی جعفری اگر تکمیل می شود، کاری قوی در این راستا بوده است. مرحوم جعفری کلمات و سخنان امام را با زبان امروز بیان



کسانی هم که خطیب و مبلغ بوده و می خواهند در سطح گسترده ای سخنرانی کرده و پیام دین را به گوش همگان برسانند؛ نهج البلاغه و خطب آن مهمترین منبعی است که می تواند در امر تبلیغ و ترویج معارف اسلامی مورد استفاده قرار گیرد



این که تحول یافته و تکامل یافته انواع دیگر باشد. این را شما فقط در نهج البلاغه با فصاحت و بلاغت تمام و بیان استوار و محکم می یابید نه جای دیگر. کسانی هم که خطیب و مبلغ بوده و می خواهند در سطح گسترده ای سخنرانی کرده و پیام دین را به گوش همگان برسانند؛ نهج البلاغه و خطب آن مهمترین منبعی است که می تواند در امر تبلیغ و ترویج معارف اسلامی مورد استفاده قرار گیرد؛ به عبارت دیگر؛ برای یک عده از استعداد های حوزه که مستعد کار تبلیغ و نشر فرهنگ دینی اند چه کتاب و منبعی بهتر از نهج البلاغه، کلمات و سخنان امیرالمؤمنین - که مبین معارف دین است - می تواند پاسخ سوالات جوانان و تحصیل کردگان

و شرح کرده است. این ابی الحدید هم بر نهج البلاغه شرح دارند لیکن این شرح با یک سری حساب های خاص نوشته شده است که امروزه آن مشکل ما نیست! یا مرحوم خوئی شرحی بر نهج البلاغه دارند اما کار مرحوم جعفری در این میان خوب قوی و موفق بوده است.

در واقع، امتیاز شرح علامه جعفری این است که ایشان سخنان و نظریه های علمی امام را با نظریه های علمی مختلف روز به چالش گذاشته اند.

برای این که نهج البلاغه در فرهنگ عمومی مردم راه پیدا کند بهترین راه این است که مفاهیم و فرهنگ نهج البلاغه در کتب درسی آموزش و پرورش و دانشگاه وارد شود. مثلاً خطبه های امام درباره قضاوت می تواند در دانشکده های تربیت قضات تدریس شود.

به طور خلاصه هدف ما در تدریس نهج البلاغه و شرح و مفاهیم و معارف آن این است که می خواهیم یک جامعه آرزنده ای داشته باشیم لذا در قدم اول در تلاشیم این ارزشمندی را در درون حوزه ایجاد کنیم.

را بدهد و اقناعشان کند؟ در واقع نهج البلاغه کتابی است که در عین اوج زیبایی و فصاحت و بلاغت، از اندیشه و تفکر قوی و محکمی برخوردار است. کتابی که جامع تمامیت معارف شیعه و حقایق دین الهی به زبان مولاست. در مسایل فروع دین، روایات و احادیثی غیر از نهج البلاغه از ائمه معصومین رسیده است که بعد از قرآن مهمترین منبع و مرجع ماست اما در مسایل معارف دین مانند خدا، پیامبری، دنیا و آخرت و... بحث و سخنان نهج البلاغه، کامل و تمام است.

همان طوری که قرار است قرآن، در برنامه اصلی حوزه باشد، نهج البلاغه نیز باید جزو برنامه درسی شود. این تلقی که بدون مراجعه به استاد می توان نهج البلاغه را فهمید و تنها کافی است مقداری صرف و نحو خواند، درست نیست! چرا که فهم درست و علمی از نهج البلاغه مقدماتی لازم دارد که بدون وجود آن، کاری ترجمه وار خواهد بود و نه شرح و تفسیر. ترجمه، بیان معنی لغات نهج البلاغه است نه بیان فرهنگ و آهنگ نهج البلاغه. اساتید بکوشند با تشویق طلبه ها از یک سو، و تدریس و تبیین فرهنگ معارف آن از سوی دیگر، مقام علمی نهج البلاغه را در حوزه





## گفتگو با

## حجت الاسلام والمسلمین دهشت

نظر حضرت تعالی پیرامون فعالیت‌هایی که در زمینه نهج البلاغه در حوزه صورت گرفته یا باید انجام پذیرد چیست؟  
— انتظار کلی در مورد نهج البلاغه اینست که در نظام مقدس جمهوری اسلامی از خیلی قبل باید فعالیت‌هایی آغاز می‌شد. هرچند کارهای عمده و قابل مطرحی نیز صورت گرفته لیکن در این زمینه نکاتی مشاهده می‌شود که بیان آن ضروری است.

۱ - فعالیت‌هایی که انجام شده به صورت جمعی و گروهی نبوده و بیشتر فردی بوده است. و خیلی فرق می‌کند که کاری به صورت گروهی انجام شود که دقیقتر و حساب شده‌تر است تا اینکه فردی، کار شود. البته این به معنای آن نیست که هیچ کار گروهی انجام نشده باشد بلکه گفته می‌شود که باید خیلی گسترده‌تر از قبل، عمل شود. به طور مثال شروح بسیار زیادی که شیعیان و سنی‌ها و دیگران بر نهج البلاغه داشته‌اند - که همگی قابل تقدیرند - غالباً فردی بوده است و به نظر من یکی از کارهایی که باید عملی شود حضور جمعی و کار گروهی در این زمینه است.

۲ - با دقت در فعالیت‌های انجام شده، وقتی به کارهای فردی محققین نگاه کنیم می‌بینیم که کارهایشان نه تنها فردی که خصوصی هم بوده است. یعنی موضوعات مطرح شده به گونه‌ای بوده‌اند که برای عموم مردم، نفعی دربر نداشته‌اند. کارهای آنها عمدتاً فقط مورد استفاده خواص و اهل علم و محققین بوده است و عموم مردم یا نتوانسته‌اند یا کمتر توانسته‌اند که از آن بهره ببرند.

۳ - متأسفانه متن نهج البلاغه در هیچ یک از مقاطع تحصیلی چه در حوزه و چه دانشگاه، به عنوان متن درسی وارد برنامه آموزشی نشده است. به طور کلی مطالب نهج البلاغه باید نسبت به سطوح مقدماتی و متوسطه و عالی، سطح بندی بشود. به طور مثال مسائل اخلاقی باید برای سطوح اولیه در نظر گرفته شود تا ضمن آموزش و درک آسان آن، برای خود افراد هم سازنده باشد، یا در مورد کلمات قصار که فهم آن برای سطوح پایین، مشکل نیست و بهر حال ورود متن نهج البلاغه به سیستم آموزش کشور باید از سطوح پایین تر آغاز شود تا به مراحل بالاتر آن بتوان امیدوار بود.

۴ - امسال در کنگره نهج البلاغه، تصمیم بر این گرفته شد که آنها در مشهد نیز شعبه‌ای داشته باشند. در چند سال قبل موضوع کنگره، وارد کردن متن نهج البلاغه در دانشگاه بود و از اینکه چقدر در این زمینه کار شده است، خبر ندارم. یکی از پیشنهادهای من به این کنگره این بود که در مورد کتاب «بهج الصباغه» مرحوم حاج شیخ محمدتقی تستری (ره) تلخیصی صورت بگیرد. مرحوم تستری نهج البلاغه را حسب

موضوعات مختلف به صورت فصل بندی شده ارائه داده‌اند. ایشان در پایان هر موضوع، احادیث و روایات دیگری را در آن زمینه خاص متذکر شده‌اند و این کتاب در ۱۴ جلد تدوین یافته است. در آنجا پیشنهاد کردم که افرادی آشنا به نهج البلاغه، این کتاب مهم را به صورت ۱۴ جزوه خلاصه شده درآورند تا قابل استفاده برای جامعه علمی و دانشگاہیان باشد. البته در آنجا همه تحسین می‌کردند ولی تاکنون، این طرح، عملی نشده است!

در مورد ورود متن نهج البلاغه در متون درسی حوزه و حفظ خطبه‌های نهج البلاغه چه پیشنهادی دارید؟  
نهج البلاغه یک گنج فاشناخته و یک معدنی است که از آن یا چیزی استخراج نشده و یا خیلی کم استخراج شده است. برای خود ما وقتی به بعضی عبارات بر می‌خوریم هنوز تازگی دارد. اما در دروسهای آموزشی از همان پایه اول درسی، طلاب باید با الفاظ نهج البلاغه مانوس شوند. به طور مثال در بخش ادبیات حوزه، متن نهج البلاغه همراه با متن قرآن باید مورد استفاده قرار گیرد. چه ایرادی دارد که به جای مثال ضرب زید عمراً از عبارت لا یبلغ مدحته القائلون استفاده شود. این گونه کارها به صورت گسترده، موجبات آشنایی بیشتر حوزه با کلام علی (ع) می‌شود.

اما پیرامون حفظ متن نهج البلاغه باید حفاظ آن را مورد تشویق فوق العاده‌ای قرار داد. خود من وقتی حافظ نهج البلاغه را می‌بینم بسیار بیشتر متعجب می‌شوم تا اینکه حافظ قرآنی را ببینم. چرا که الفاظ نهج البلاغه غالباً با ذهن، نامانوس و دارای معانی سختی است. حفاظ نهج البلاغه باید در سطح جامعه معرفی و مطرح شده و آنها را ارج بنهیم.

نکرده و تجربه‌ای نداریم. برنامه‌ریزان و عده‌ای از طلاب در این وادی نبوده و نیستند. اگر امروز برنامه‌ای برای سطوح پایین داشته باشیم آن وقت است که می‌توانیم در ۱۰ سال دیگر به آنها امیدوار باشیم. لیکن برای افرادی که نسبت به نهج البلاغه، خالی‌الذهن‌اند - هر چند که در سطوح عالی باشند - نمی‌توان برنامه‌ریزی خاصی کرد و نیز نمی‌توان از او انتظار فوق‌العاده‌ای داشت.

نکته مهم در این قضیه این است که ما نمی‌خواهیم که همه وارد این صحنه شوند. بلکه باید برای نیروهایی که علاقه‌مندند و اهل تحقیق و کار هستند، برنامه‌ریزی کرد و در نهایت از آنها تقاضای تفسیر و ترجمه و تحقیق نمود.

نوع تفسیر نهج البلاغه هم مهم است. گاهی به صورت عمقی و ریشه‌ای کار می‌شود مانند تفسیری که ما از ۱۵ سال قبل شروع کردیم و تازه امروز به خطبه قاصعه رسیده‌ایم و گاهی به صورت موضوعی یا حسب علاقه افراد به بعضی خطبه‌ها، کار می‌شود. آقای ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید که به هر چه امتها قسم خورده‌اند، قسم می‌خورم که من خطبه قاصعه را از ۵۰ سال قبل، بیش از هزار مرتبه خوانده‌ام و هر مرتبه که خوانده‌ام، استفاده کرده‌ام و هنوز هم می‌خوانم. او عاشق این خطبه شده است.

و نوع دیگر، بررسی موضوعی آنست. یکی از چندین کتابهایی که در این زمینه تحقیق شده، کتاب «الدلیل» است که به طور مثال در زمینه معاد و مرگ و برزخ، ۱۴۴ مورد از نهج البلاغه فهرست‌بندی شده است. صاحب‌الدلیل توحید و عدل و سایر مباحث را نیز به همین ترتیب فهرست کرده است. فعالیت در نهج البلاغه، نیاز به قدرت اجرایی برنامه‌ریزان نیز دارد. و در این زمینه باید برنامه‌ریزان آموزشی، متون مناسب را مطرح و تصویب کرده و در تمام جهات آن، اعم از دانش‌پژوه و استاد، امتیاز و بها داده شود.

## گفتگو با

### حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی

#### مروارید

مناسب می‌بینم اولاً نقش بنیادین حوزه‌های علمیه را در مجتمع اسلامی (شیعی) یادآور شوم. روشن است که دین اسلام - بعنوان دین خاتم و جامع - قبل از هر موضوع به بیداری افکار و تعلیم و تربیت اهمیت داده است و انقلاب پیامبران الهی - و در رأس آنها پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌و آله - یک انقلاب فکری و فرهنگی است و این انقلاب مبدع و منشاء تحولات



به نظر شما حوزه چه راه کارهایی را دارد که نهج البلاغه را در جامعه گسترش دهد؟

یکی از فعالیت‌های حوزویان، تبلیغ معارف دینی در اجتماع می‌باشد. برای طلبه‌ای که می‌خواهد سخنرانی کند چه موضوعی مهمتر از این که مواعظ امیرالمؤمنین علی(ع) را از نهج البلاغه برای مردم بگوید. لیکن برای آشنایی خود طلاب در زمینه تبلیغ در طی کلاسهای آموزشی خاصی، خود نهج البلاغه باید گنجانده شود. در نهج البلاغه موضوعات دیگر از قبیل توحید و نبوت و معاد و مسایل ضروری و قابل نیاز جامعه هم هست که باید مورد شناسایی و تدقیق قرار گیرد. به طور کلی حوزه باید در درون خود، به خود متن نهج البلاغه و افراد متخصص آن بها بدهد و در خارج از آن با تشکیل کلاسهای تبلیغی و پرس و جو کردن از آنها در پایان سفر تبلیغی طلاب در زمینه میزان استفاده آنها از نهج البلاغه به گسترش آن، اهتمام و توجه ویژه داشته باشد.

- در مورد آموزش متن نهج البلاغه، یک تلقی این است که آن را همسان دروس فقه و اصول پیاموریم و دیگر اینکه آن را فقط به عنوان یک درس جنبی و به صورت آزاد گذاشته تا هر کس علاقه داشت، آن را بیگیری کند. سؤالی که در زمینه درسی شدن متن نهج البلاغه مطرح می‌شود اینست که آن را چگونه باید تدریس کرد؟ شاید بشود گفت که تهیه متن آموزشی برای سطوح ابتدایی و متوسط ممکن باشد اما برای فاضلی که در سطح عالی قرار دارد چگونه می‌توان برنامه‌ریزی کرد؟ این، مثل فقه نیست که بر اساس قواعدیکه قبلاً خوانده شده، استنباطی صورت بگیرد لذا در مورد اینها چه باید کرد؟ و چگونه می‌توان در سطح فضلاء حوزه فرهنگ نهج البلاغه پژوهی را رواج داد؟

شوخی قضیه اینست که ما دیر آمده‌ایم و زود می‌خواهیم برویم. واقعیت این است که ما در مورد آموزش نهج البلاغه کاری





اجتماعی و سیاسی می‌گردد.

قرآن کریم فلسفه مهم ارسال انبیاء را تزکیه و تعلیم معرفی نموده است. و دین مقدس اسلام مجموعه عظیمی از تعالیم الهی است در ارتباط با انسان، آفریدگار برحسب نیازهای فراوان و مختلف انسان، برای تکامل و سعادت و به فعلیت رساندن استعدادها و توسط سفرا و اولیانش احکام و دستورات و تعلیمات و قوانینی فرستاده است که آنها را فراگیرد و سپس در زندگی فردی و اجتماعی خود آنها را تطبیق دهد.

بنابراین یک فرد اگر بخواهد مسلمانی واقعی باشد ناچار است که به تعلیمات اسلام آگاهی داشته و به آن پای بند باشد.

گسترده‌گی تعالیم و قوانین اسلام از یک سو و ضرورت فراگیری آن برای احاد امت از سوی دیگر علت پیدایش حوزه‌های علمیه است. حوزه‌های علمیه امتداد تطبیق عملی آیه کریمه است که: «فلولانفر من کل فرقة طائفة لیتفقوها فی الدین و لینذرواقومهم اذا رجعواالیهم لعلهم یحذرون» همگان نمی‌توانند دست از کارهای روزمره و ضروری کشیده در دین خدا تفقه کنند. ولی عده‌ای باید به این کار همت گمارند و پیامهای الهی را به نحو صحیح و گسترده فراگیرند و به دیگران ابلاغ نمایند تا یک مجتمع صالح اسلامی تشکیل گردد که علم مقدمه عمل است و انذار مقدمه حذر. این حقیقت، فلسفه پیدایش حوزه‌ها را تشکیل می‌دهد.

حوزه به منزله یک دانشگاه عمومی آزاد و مستقلی است که افرادی نوعاً برحسب احساس وظیفه در آن وارد می‌شوند که تفقه کنند و سپس انذار و تبلیغ و ارشاد فقهاء و عموماً دانشمندان در رشته‌های مختلف علوم اسلامی و مبلغین و خطباء از حوزه‌ها بر می‌خیزند. و تعالیم اسلامی را در جامعه نشر می‌دهند و رسالت رهبری فکری جامعه را بعهده می‌گیرند و گاهی این رهبری در صورت تحقق شرایط با رهبری سیاسی و اجتماعی مقرون می‌گردد که در انقلاب ایران بوقوع پیوست. و نوعاً از میان دانشمندان در علوم مختلف اسلامی فقهاء (متخصصین در فقه اسلامی) هستند که پیشرو جامعه‌اند. و سر و نکته این مسأله در این است که مسائل فقهی، مورد ابتلاء و احتیاج همه افراد امت است.

یک مسلمان صبح که از خواب بلند می‌شود در تمام حرکات و سکناتش به عنوان شیعه و مسلمان معتقد و متدین احتیاج دارد به این مسایل فقهی و وظایفی که برای شخص خودش و بین خودش و خلق هست متوجه شود تا بتواند عمل کند. اینها مسایلی است که فقهاء بدنبال آنند و دست‌اندرکاران آن هستند و سر اینکه همیشه فقهاء پیشرو هستند همین است. یعنی یک

چیزهای عملی که مورد ابتلاء عموم مردم است این علم برحسب این طبیعت که دارد جلو افتاده است ولو به لحاظ مرتبه متأخر باشد و متأخر هم است اما به لحاظ عملی و جهات احتیاجی که هست و هر دم دارند همیشه پیشرو بوده است و فقهاء در شهرستان‌ها و شهرهای مختلف همیشه پیشرو بوده‌اند. طبیعتی مسئله هم همین است. اما این بدان معنی نیست که علوم اسلامی منحصر در فقه باشد بلکه قبل از فقه، مسایل معارف الهیه و معارف اسلامی که زیر بنای مسایل را تشکیل می‌دهد و به تعبیر بعضی از اعظام «فقه اکبر» است این علم بدون شک تقدم طبیعی بر علم فقه دارد چون که در مسایل توحید، نبوت و معاد دیدگاه اسلام را بیان می‌کردند.

حوزه ما باید واقعی به تمام اینها باشد یعنی باید جهت زیر بنای اول محکم بشود. دفع شبهات در این زمان‌ها، مخصوصاً دفع شبهات که جوان‌ها درگیر آن هستند، اینها مسایلی هستند که با اصل اسلام در جریان است. امروز شبهاتی زیادی هست که افکار بسیاری را متزلزل می‌کند و شخصی که در این مسایل فکری متزلزل شود اسلام ندارد و مسلمان نیست. در مسایل و نکات عملی اگر مسامحه‌ای باشد مسلمان هست اما مسامحه کار در



اعمال و مناسک دینی است اما مسایل اعتقادی است که در ارتباط اصل اسلام اشخاص است.

مسایلی اخلاقی اسلام بعد از مسایل اعتقادی بسیار مهم است این مسئله به یک معنی و جهت ممکن است که در محدوده فقه قرار گیرد. مسئله تهذیب و ترتیب و ریزه کاریهای که در مسایل روحی و معنوی برای هر فرد مسلمان است مهم و اساسی است و اینهاست که انسانها را وادار می کند به این مسایل فکر کند و زندگی اجتماعی و فردی خودشان را براساس تهذیب و تربیت نفس استوار و تطبیق کنند، این مسایل تربیتی و تهذیبی بعد از مسایل معرفتی یک جهت زیربنائی دارد.

علی ای حال حوزه باید یک منبعی باشد برای تمام این علوم و معارف اعتقادی اخلاقی و تربیتی و فقهی و عملی، اینها مجموعه ای است از اسلام و قطعاً این اسلام در قرآن کریم به نحو تمام و کمال متبلور است. قرآن را که بررسی کنیم مسایل اعتقادی و اخلاقی و فقهی و مقولاتی چون معاد، هدایت و احذیت خدا و ... در راستای چنین اهدافی است و نیز جهات تاریخی مثل داستان انبیاء که یک بخش دیگری از قرآن را تشکیل می دهد باز آن هم به خاطر هدفهای تربیتی و تکمیلی است که آیات مختلف قرآن دنبال می شود.

بعد از قرآن کریم - به یک اعتبار - مشهورترین کتابی که در شیعه هست - و به یک معنی عالم گیر هم هست - کتاب نهج البلاغه است. خداوند به سیدرضی توفیق داد که این مجموعه را از مدارک مختلفی اختیار و انتخاب کند و در یک مجموعه ای گردآوری نماید. خطب نهج البلاغه یک جهت برانزندی و امتیازاتی که دارد احساسات و عواطف را به طرز عجیب و شگفت آور تحریک می کند. اصلاً خود خطبه به خاطر آن جهت بلاغتی و فصاحتی که دارد با عبارات و چشش ادبی کلمات، احساسات آدمی را تحریک می کند و در نتیجه انتقال مفاهیم زودتر صورت می گیرد. نهج البلاغه: فوق الکلام المخلوق دون الکلام الخالق و چشش کلمات و عبارات در این کتاب به لحاظ فصاحت و بلاغتی در حد اعلی است. منحصرم که چه هست شعر نیست، نثر عادی نیست اگر چه در حد قرآن نیست اما واقعاً فوق کلام مخلوق است. احادیث و روایات تربیتی زیادی از ائمه علیهم السلام داریم که مورد استفاده قرار می گیرد اما خطبه های نهج البلاغه یک جهت تأثیری خاص دارد. الذریعه در ترجمه نهج البلاغه، ترجمه های زیادی را از علماء بیان می کند بعد می فرماید:

« لم یبرز فی الوجود بعد انقطاع الوحی الیهی کتاب امن به مصادون فی نهج البلاغه نهج العلم والعمل الذی علیه مسحة من العلم الیهی، و قیه عقبه من الکلام النبوی، و هو صدف لثالی الحکم و سفت یواقیت الکلم، الموعظ بالبلغه فی طی حصبه و کتبه تاخذ بمجامع القلوب، فصار کلماته کافله لسعادة الدنيا والاخرة، ترشده طلاب الحقایق بمشاهدة ضالته، نهندی ارباب الکیاسة لطریق سیاستهم و سیادتهم، ما هذا شأنه حقیق ان

بعثتک بفنائه العارفون و ینقبه الجانون، حری ان تکتب حوله کتب ورسایل کثیرة حتی یشرح فیها مطالبه کلاً او بعضاً و یترجم الی اللغات اخر لیعرف اهل کل لسان من بحاره غرقه» (الذریعه، ۱۴۴/۴)

سزاوار است این کتاب به لغت و زبان های دیگری ترجمه شود تا بتوانند اهل هر زبانی از این معارف بهره مند باشند.

این اوصاف برای کتاب نهج البلاغه بسیار کم است. انسان وقتی خودش اجمالاً به خطبه های امام مراجعه می کند در می یابد که هر سطر جمله اش، انسان را رشد می دهد و به تکامل می رساند. البته اگر زمینه پذیرش باشد خدا رشد و تکاملش می دهد. علی ای حال نهج البلاغه، این جور کتابی است. یک بخش از این کتاب راجع به معارف الیهی، توحید و صفات الیهی است.

بخش دیگر این کتاب، بحث های تربیتی و تهذیبی است. کسی که مقداری زبان عربی بلد باشد به خطب و کلمات نهج البلاغه که راجع به مواظب و نصیحت هاست، مراجعه کند و عبارات نهج البلاغه را به این نیت تکرار و بر خود تلقین کند در رشد و تکامل او بسیار مؤثر است. مثلاً در عهدنامه مالک اشتر - که مکتوبی است از امام (ع) و در این نامه جهات سیاسی و اجتماعی مهمی راجع به مسئولین یک جامعه آمده است - می فرماید:

«املک حمیة انفک، و سورة حدک، سطوة یدک و عرب لسانک، واحترس من کل ذلک یکف البادیه و تا حیر السطوة حتی یسکن غضبک فتملک الاختیار ولن تحکم ذلک من نفسک حتی تكثر همومک بذكر المعاد الی ربک»

دوری کنید از غضب های بی مورد، و زود از جا در نروید. تکبر به زیر دستان خود نکنید حتی در نگاه کردن و حرکات دست. اگر دیدی عصبانی شدی و نمی توانی خود را نگه بداری صبر کن و مبادرت نکن به عکس العمل های شدید تا غضبت ساکن شود تا اختیارت به دست خودت باشد، وقتی می توانی این کار را انجام بدهی، یعنی می توانی احساسات را در اختیار بگیری. (حتی تكثر همومک بذكر المعاد الی ربک) که هم و غمت فکر معاد و آخرت باشد به اینکه باید در پیشگاه خدا حساب پس بدهی. مالک اشتر به عنوان رئیس مملکت اسلامی ... هر کس هم در حوزه کاری خودش ... یک پدر مثلاً در خانواده خودش و یک مسئول مدرسه در مدرسه خودش ... این مطالب حقانیت حضرت علی (ع) و مظلومیت آن حضرت را بیان می کند و معلوم می شود چه کسی را خانه نشین کرده اند و ... یا می فرماید: «ایاک والعجلة بالامور قبل اوانها او التسقط فیها عند امکائنها، او اللجاجة فیها اذا تنكرت، اوالوهن عنها اذا استوضحت، فضع کل امر موضعه، و اوقع کل عمل موقعه»

واقعاً اگر کسی لااقل بتواند از اول نهج البلاغه شروع کند و روی جهات موعظه ای و تربیتی آن تأمل کند و بخواند نه این که شرح و تفسیر کند، و نه بعضی از خطبه ها، و مسایلی دقیقی که

هست و احتیاج به تأمل و تفکر زیاد دارد - به حسب فطرت باکی که خدا برای هر کس داده است قابل استفاده اش باشد البته یک مقدار به زبان عربی هم وارد و آشنا باشد - خیلی خوب می‌تواند از نهج البلاغه استفاده کند.

از علماء سابق مرحوم میرزای شیرازی کبیر - صاحب فتوای تنباکو - در شرح حالشان است که: مرحوم میرزا مردی محقق و شاگردانی بسیاری را تربیت کرده‌اند. در مسایل سیاسی و اجتماعی، مردی بسیار هوشیار وارد بودند یکی از شاگردان ایشان ... که از زهاد است قبل از درس میرزا به امر ایشان مقداری از نهج البلاغه می‌خوانند. این را مرحوم سید حاج آقا بزرگ طهرانی در طبقات الاعلام در شرح حال شیخ حسنعلی طهرانی آورده است: «کان یقرأ بامر» معلوم است که نهج البلاغه به خاطر آن جهات تربیتی و تهذیبی و تکمیلی که دارد قبل از درس خوانده می‌شد و تذکر و تنبیهی بود که هدف را مشخص می‌کرد. هدف ما از این درس خواندن‌ها و مباحثات چیست؟ هدف باید تهذیب و تکمیل باشد و این‌ها مقدمه است. در این مقدمه‌ها نباید زیاد سرگرم بشویم از اصل هدف باقی بمانیم.

مرحوم نائینی یک اجازه اجتهادی به مرحوم میرزا مهدی اصفهانی نوشته‌اند - که یک وقت یکی از مجلات هم چاپ شد فکر می‌کنم که بهان فرهنگی بود به مناسبت شرح حال میرزا مهدی اصفهانی در آن مجله به چاپ رسید - در این اجازه نامه نوشته‌اند: «اگر می‌خواهید تهذیب و تکمیل شوید از خطب نهج البلاغه فراموشتان نشود مخصوصاً خطبه‌ای که حضرت بعد از قرائت آیه «الهیکم التکاتیر» دارند بعد از قرائت این آیه حضرت چند جمله، خطاب دارند.

می‌خواهم بگویم علماء عنایت و اهتمام زیادی داشتند در استفاده از نهج البلاغه در جهت تهذیب و تربیت و تکمیل رعایت تقوای، دوری از دنیا و این خیلی مهم است و ... تمام بدبختی ما از همین است که از این مفاهیم عالیه دور مانده ایم.

علاوه بر جهات علمی و دقت‌های معارفی که در نهج البلاغه هست جهات‌های دیگری نیز هست: مثل خطبه‌هایی که حضرت در جنگ‌ها و مسایل مختلف بیان فرموده‌اند و بر جهات سیاسی و اجتماعی انگشت گذاشته‌اند و ... و کارهایی هم روی این مسایل شده است و شرح‌های زیادی بر نهج البلاغه خورده است. اولین شرحی که بر نهج البلاغه زده شده زمان خود مرحوم رضی بوده که علی بن ناصر نوشته و معاصر سید رضی بود. مرحوم سید محسن جیل عاملی ترجمه‌ها و شرح زیاد را مطرح می‌کند که به صورت مختصر و مفصل از عالمان سنی و شیعه به نگارش در آمده است. اما ظاهراً روی این عنوان - گسترش فرهنگ نهج البلاغه کار کمتر شده است. یعنی کار علمی کمتر شده است و شروع و ترجمه‌های مختلف و متعددی زده شده لیکن این مقدار برای گسترش معارف نهج البلاغه کافی نیست. باید در حوزه‌ها - همانطور که در قسمت اول صحبت مطرح شده -



تفکر دینی به دست حوزه‌ها و از طریق حوزه‌ها در جامعه منتشر شود و این کانال مطمئن و مشروع برای این کار است. حوزه‌ها باید اهتمام بدهند که این فرهنگ را حفظ و تبیین کنند. اگر چه شروع زیادی شده است لیکن این شروع انتشار علمی و عملی فرهنگ نهج البلاغه را مطرح نکرده‌اند و قدم اول علمی در این کار این است که در حوزه‌ها اهتمام بیشتری به نهج البلاغه بعنوان یک کتاب زنده بشود. در متون درسی حوزه‌ها راه پیدا کند و طلاب فضلاء و اساتید روی نهج البلاغه مطالعه کنند و به مباحثه بپردازند. واقعاً سراوار است روی سه قسمت نهج البلاغه که عبارت باشد از خطب، رسایل و کلمات قصار - حوزه‌ها کار کنند و راه‌های انتشار این معارف نهفته را بیان کنند خلاصه نهج البلاغه منبع عظیمی است از معارف اسلامی که خداوند انشاءالله توفیق عنایت کند که در راه حفظ و انتشار آن کوشا باشیم.

### گفتگو با

## حجت‌الاسلام والمسلمین رضایی

۱- نهج البلاغه پژوهی در حوزه باید در راستای دین پژوهی



مورد توجه قرار گیرد. رسالت اول حوزه پژوهش در دین و تبلیغ صحیح آن است. دین اسلام که دین خاتم است در تشیع راستین تجلی دارد و شیعه تنها فرقه‌ای است که به ندای نبی اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - در حدیث ثقلین پاسخ مثبت داده است.

دعوت رسول الله در حدیث ثقلین تمسک به کتاب و عترت است. این دو در میان امت اسلامی، وجود باقیه پیامبر بحساب می‌آید. بنابراین ضرورت اول در حوزه‌های دینی پرداختن به قرآن است و ضرورت دوم پرداختن به عترت.

در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه که زمان فتنه‌های شدید است (وشده الفتن بنا) چاره‌ای جز پرداختن به سخنان عترت به عنوان روشنگر راه (و کلامکم نور) وجود ندارد و در میان همه سخنان آنان هیچیک جایگاه اخ القرآن (نهج البلاغه) را ندارد.

امروزه نهج البلاغه به عنوان بلندای کلام امامان شیعی مطرح است و دیگر مکاتب را از زوایای گوناگون به تحذی می‌طلبند.

متأسفانه در حوزه‌های دینی و در زمان‌های اخیر، علم شریف حدیث مورد غفلت قرار گرفته است و جز روایات فقهی، سایر روایات مورد تدریس و تدریس قرار نمی‌گیرد با اینکه علم حدیث از علوم پایه بوده و مادر بسیاری از علوم اسلامی به حساب می‌آید.

اگر حوزه‌روزی به فن شریف حدیث اهتمام بورزد و بخواهد از نقطه‌ای آغاز کند، بی‌شک اولین نقطه نهج البلاغه است و این ادعا را ادله فراوان اثبات می‌کند که از آن جمله است:

- الف - اعتبار سندی اکثر روایات نهج البلاغه
  - ب - بلندی محتوا و مضمون همه نهج البلاغه
  - ج - اقبال جهانی به نهج البلاغه
  - د - اشتهار نهج البلاغه به عنوان سند تشیع
- ه - مقبولیت نهج البلاغه در میان همه فرق اسلامی جز پاره‌ای فرق متسوخته و از بین رفته

و - تنوع سخنان امیرمؤمنان - علیه السلام - در نهج البلاغه به نظر حقیر راهبرد اساسی نهج البلاغه پژوهی در حوزه به این است که این کتاب مثل درسی حوزویان در سطوح مختلف قرار گیرد، البته در راستای حدیث آموزی و تعلم فن شریف حدیث، آن هم نه به صورت درسی جنبی بلکه به صورت اصلی‌ترین درس پس از درس قرآن. بسیار جای تأسف است که برخی از مسلمانان غیر شیعه همانند شیخ محمد عبده و صبحی صالح بلکه برخی از

به نظر حقیر راهبرد اساسی نهج البلاغه پژوهی در حوزه به این است که این کتاب مثل کتب درسی حوزویان در سطوح مختلف قرار گیرد، البته در راستای حدیث آموزی و تعلم فن شریف حدیث، آن هم نه به صورت درسی جنبی بلکه به صورت اصلی‌ترین درس پس از درس قرآن.

غیرمسلمانان در نهج البلاغه از بسیاری از علمای شیعه که محصول حوزه‌های دینی شیعی هستند، ماهرتر و مسلط‌تر باشند. درد دل مرحوم آیه الله شیخ مرتضی مطهری - که عاش سعیدا و مات شهیدا - در این باره در مقدمه کتاب «سیری در نهج البلاغه» خواندنی و عبرت‌گرفتنی است. راهبردهای دیگری در زمینه فوق وجود دارد که از آن جمله است: تشویق شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی که به صورت فردی یا جمعی درباره نهج البلاغه گامی برداشته و راهی پیموده‌اند.

۲- در مورد فرهنگ نهج البلاغه باید گفت که اگر مقصود، محتوای نهج البلاغه است چون محتوای نهج همان محتوای دین با ابعاد گوناگون است و حوزه و روحانیت متکفلان رسمی ترویج دین‌اند پس همانان دست‌اندرکاران رسمی ترویج فرهنگ نهج البلاغه‌اند و اگر مقصود، ترویج کتاب نهج البلاغه است متأسفانه حوزه در این زمینه نقش چشمگیری ندارد و سرش این است که خود حوزه در این زمینه کار کارستانی نکرده است. این مطلب در توضیح نخست تبیین شد. پس قدم اول ترویج فرهنگ نهج البلاغه در خود حوزه است.

